

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان کتاب:

روضه های آسمانی محرم ۱۴۰۰

مناسبت:

روضه فرزندان حضرت زینب علیهم السلام (شب چهارم)

کاری از گروه های پژوهشی:

پایگاه تخصصی مدح و مرثیه حسینه: @hosenih

پایگاه تخصصی مقتل حسینه: @hosenih_maghtal

تک بیت، دوبیتی و رباعی آیینی حسینه: @dobeity_robaey

گروه پژوهشی منبر آسمانی: @m_asemani

با توجه به اینکه هزینه کتاب با افزایش قیمت کاغذ و دلار بسیار بالا می باشد، به خاطر کاهش هزینه و فراهم شدن استفاده عموم، بر آن شدیم که فایل pdf کتاب را با قیمت ارزان تر یعنی فقط ۱۴ هزار تومان به فروش برسانیم. لذا شرعاً هر ۱۴ هزار تومان مخصوص استفاده یک نفر می باشد، در صورت ارسال برای دیگر واعظین و مداحان، لطفاً مبلغ مورد نظر را برای شماره کارت زیر واریز کنید، سپس فیش واریزی را برای ما ارسال نمایید.

به نام: مرتضی حق ویردی (بانک قوامین) ۶۳۹۵۹۹۱۱۶۸۰۶۰۰۸۵

لطفاً بعد از واریز هزینه pdf، حتماً تصویر فیش واریزی را به آیدی درج شده در ایتا یا تلگرام ارسال بفرمایید:

@addmin_roze

هر گونه کپی برداری برای چاپ کتاب و بهره های اقتصادی، شرعاً حرام می باشد.

نماز عشق را هر شب بخوانید
همیشه یا حسین بر لب بخوانید
بگفته یوسف زهرا به عشاق
برایم روزه ی زینب (س) بخوانید^۱

حضرت زینب (س) از زبان امام سجّاد (ع)

امام سجّاد (ع) می فرماید :

إِنَّ عَمَّتِي زَيْنَبَ (س) كَانَتْ تُؤَدِّي صَلَوَاتُهَا مِنْ قِيَامِ الْفَرَائِضِ
وَ النَّوَافِلِ عِنْدَ مَسِيرِنَا مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى الشَّامِ وَ فِي بَعْضِ
الْمَنَازِلِ كَانَتْ تُصَلِّي مِنْ جُلُوسٍ لِشِدَّةِ الْجُوعِ وَ الضَّعْفِ مُنْذُ
ثَلَاثِ لَيَالٍ لِأَنَّهَا كَانَتْ تُقَسِّمُ مَا يُصِيبُهَا مِنَ الطَّعَامِ عَلَى الْأَطْفَالِ
لِأَنَّ الْقَوْمَ كَانُوا يُدْفِعُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنَّا رَغِيفًا وَاحِدًا مِنَ الْخُبْزِ
فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ^۲

عمه ام زینب (ص)، نمازهای واجب و مستحبی اش را در طول مسیر کوفه
به شام می خواند و در بعضی از توقفگاهها از شدت گرسنگی و ضعف

۱ محمد مشری

۲ فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، رحمانی، ص ۶۴۱

در مدت شبانه روز نمازش را نشسته خواند. چون آنچه از غذا سهم او بود، بین کودکان تقسیم می کرد. چون آن قوم به هر یک از ما یک گرده نان در شبانه روز می دادند.

جایگاه حضرت زینب(ع) نزد امام حسین(ع)

ارتباط حضرت زینب(س) با خداوند آن گونه بود که امام حسین(ع) در روز عاشورا هنگام وداع، به خواهرش فرمود:

يَا اُخْتَاهُ! لَا تَنْسِينِي فِي نَافِلَةِ اللَّيْلِ ۱

خواهرم! مرا در نماز شب، فراموش نکن

شب چهارم محرم متعلق به زینب کبری و فرزندان شجاعش است. عزادارن امشب شب دعا برای فرج امام زمان است. در تشریفی که مرحوم آقا شیخ حسن سامرایی در سرداب مقدس خدمت حضرت ولی عصر داشتند، حضرت به ایشان فرموده بودند: به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را قسم دهند به حق عمه ام حضرت زینب که فرج مرا نزدیک گرداند.^۲

۱ عوالم العلوم عبدالله بحرانی، ج ۱۱، ص ۹۵۵

۲ شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ج ۱، ص ۲۵۱-۱۸۴

نمی دانم چرا حضرت امر به عمه جانشان زینب نمودند ولی این مطلب بر کسی پوشیده نیست که بی بی، ام المصائب در عالم است زیرا در کمتر از هشت ساعت سر هفده نفر از نزدیکانش، از پسران، برادرزاده ها، برادرانش را جلوی چشمانش به نیزه زدند.

نامه عبد الله بن جعفر به سیدالشهدا (ع)

مطابق گزارش شیخ مفید :

عبد الله بن جعفر (شوهر حضرت زینب سلام الله علیها) دو فرزند خود عون و محمد را نزد امام حسین (ع) فرستاد و نامه ای نیز به وسیله آن دو برای آن حضرت فرستاد که در آن چنین نوشته بود: «اما بعد تو را به خدا قسم می دهم، زمانی مرا خواندی از این سفر برگرد، زیرا من از این راهی که بر آن می روی بر تو ترسناکم از این که هلاکت تو و پریشانی خاندانت در آن باشد، و اگر امروز تو از میان بروی روشنایی زمین خاموش خواهد شد، زیرا تو چراغ فروزان راه یافتگان و آرزو و امید مؤمنان هستی، و به راهی که می روی شتاب مکن تا من به دنبال این نامه خدمت شما برسم و السلام».

عبد الله (این نامه را فرستاد و از آن سو) به نزد عمرو بن سعید (حاکم مکه) رفته از او درخواست کرد امان نامه برای امام حسین (ع) بفرستد و او را آرزومند سازد که از این راه باز گردد، عمرو بن سعید نامه‌ای برای آن حضرت نوشت و در آن نامه او را امیدوار به نیکی و صله کرد و بر جانش امان داد، و آن نامه را به وسیله برادرش یحیی بن سعید فرستاد، پس یحیی و عبد الله بن جعفر به آن حضرت رسیده و پس از آن که پسران خود را فرستاده بود (خود نیز آمده) و نامه عمرو بن سعید را به او دادند و در بازگشت آن حضرت تلاش بسیار کردند، سید الشهداء (ع) فرمود: «من رسول خدا (ص) را در خواب دیدم و مرا به آنچه به دنبال آن می‌روم دستور فرمود»، آن دو گفتند: آن خواب چه بوده؟ امام (ع) فرمود: «آن را برای کسی نگفته و نخواهم گفت تا خدای خویش را دیدار کنم»، پس همین که عبد الله بن جعفر از بازگشت آن حضرت ناامید شد به دو فرزند خود عون و محمد دستور داد امام حسین (ع) را همراهی کنند و در رکابش شمشیر زنند، و خود با یحیی بن سعید به مکه بازگشت.^۱ و در نهایت این دو فرزند زینب و عبدالله بن جعفر در کربلا به درجه رفیع شهادت نائل شدند.^۲

۱ شیخ مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۶۸.

۲ شیخ مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۲۵.

رجز ابنا الزینب (ع)

روز عاشورا از این دو برادر ابتدا محمد بن عبدالله بن جعفر به میدان مبارزه شتافت و چنین رجز خواند:

أَشْكُو إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعُدْوَانِ
فِعَالٍ قَوْمٍ فِي الرَّدَى عِمِيَانِ
قَدْ بَدَّلُوا مَعَالِمَ الْقُرْآنِ
وَ مُحْكَمِ التَّنْزِيلِ وَ التَّبْيَانِ
وَ أَظْهَرُوا الْكُفْرَ مَعَ الطُّغْيَانِ ۱

به خدا شکایت می‌کنم از کردار گروهی که کورکورانه به سوی هلاکت می‌روند، همان‌ها که نشانه‌های قرآن را دگرگون و بیان محکم تنزیل را تغییر داده‌اند، و کفر و طغیان و سرکشی را آشکار ساختند. عزیزان عزادار روز عاشورا هر کسی به شهادت می‌رسید زینب برای قوت قلب امام حسین به استقبال برادر می‌آمد و حضرت را با حرف هایش یاری می‌کرد، گاهی هم مثل شهادت علی اکبر با پای پیاده به دل دشمن می‌زد.

۱ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۴.

عکس العمل حضرت زینب(س) بعد از شهادت فرزندان

شیخ مفید در «ارشاد» می نویسد^۱: بعد از شهادت علی اکبر زینب در کنار امام حسین (علیه السلام) حاضر شد و از شدت غم خود را روی جسد علی اکبر انداخت.

فَأَخَذَ الْحُسَيْنُ بِرَأْسِهَا فَرَدَّهَا إِلَى الْفُسْطَاطِ

امام خواهر را از روی نعش علی اکبر بلند کرد و از جوانان بنی هاشم خواست تا بدن وی را به دارالحرب برسانند.^۲

اما طبق نقل مشهور در مصیبت فرزندان زینب هرچه حسین نگاه می کند، خبری از خواهر نیست، خواهر در خیمه مانده است.

نقل می کنند: امام حسین (علیه السلام) پیکر پاک آن دو نوجوان حضرت زینب (علیها السلام) را در بغل گرفت و در حالی که پاهایشان به زمین کشیده می شد، به سوی خیمه ها آورد. وقتی بانوان به استقبال جنازه ها می آمدند، همیشه حضرت زینب (علیها السلام) پیشاپیش بانوان بود، ولی این بار زینب (علیها السلام) دیده نمی شد!^۳

۱ الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲ یا فُتِيانَ بَنِي هَاشِمٍ إِحْمِلُوا أَخَاكُمْ إِلَى الْفُسْطَاطِ هَمَان.

۳ سوگنامه آل محمد (ص)، محمد محمدی اشتهاردی: ۲۹۲.

دلایل عدم حضور حضرت زینب(س) نزد پیکر فرزندانش

اما دو دلیل برای این که زینب از خیمه بیرون نیامد میتوانیم بگوییم:

دلیل اول:

او از خیمه بیرون نیامده بود تا مبادا برادرش او را در این حال ببیند و در برابر خواهر شرمنده شود.

سخت است دست و پا زدن بچه های من

اما فدای طفل رباب و سکینه ات

سخت آن بود که داخل گودال بنگرم

خنجر به دست ، شمر نشسته به سینه ات^۱

دلیل دوم:

شرمندگی خود زینب بود. شاید زینب به خاطر اینکه سرباز بیشتری برای فدا شدن در راه امام زمانش نداشت خجالت می کشید.

باید عزیز را به فدای عزیز کرد

در خیمه غیر این دو ، عزیزی نداشتم

۱ مهدی مقیمی

غیر از دو طفل خود که به قربان تو کنم

در خیمه ام برای تو چیزی نداشتم^۱

گریه کن ها، هرچند زینب روز عاشورا فقط دوفدایی در راه حسین داشت. اما خودش بارها فدای حسین شد.

حجب و حیای زینب(س)

اجازه بدهید یکی از سخت ترین مصیبت های زینب کبری را عرض کنم . قبل از ذکر این مصیبت بزرگ، این مقدمه را عرض می کنم :

مرحوم علامه مامقانی درباره حجاب حضرت زینب(س) می نویسد :

هِيَ فِي الْحِجَابِ وَاللِّفَافِ مَزِيدَةٌ لَمْ يَرِ شَخْصًا أَحَدٌ مِنْ
الرِّجَالِ فِي زَمَانِ أَبِيهَا وَآخَوَيْهَا إِلَّا يَوْمَ طَفٍّ^۲

او در پوشیدگی و حجاب، چنان بود که کسی از مردان در زمان پدر و برادرانش او را ندید، جز در واقعه کربلا.

در نقلی یحیی بن سلیم مازنی می گوید :

۱ مهدی مقیمی

۲ تفتیح المقال مامقانی، ج ۳، ص ۷۹

من در مدینه مدّت زیادی همسایه حضرت علی (ع) بودم و منزل ما نزدیک خانه ای بود که حضرت زینب (س) در آن ساکن بود.

فَلَا وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ لَهَا شَخْصًا وَلَا سَمِعْتُ لَهَا صَوْتًا

به خدا قسم در این مدت، نه من زینب را (بیرون) دیدم، و نه صدایش را (از داخل خانه) شنیدم!

و هر وقت زینب کبری (س) می خواست به زیارت قبر شریف جدش رسول خدا (ص) مشرف شود، شبانه از منزل خارج می شد در حالی که امام حسن مجتبی (ع) در طرف راست او و امام حسین (ع) در طرف چپ او و امیرالمؤمنین (ع) در جلو او حرکت می کردند.

و هنگامی که حضرت زینب (س) به قبر شریف رسول خدا (ص) نزدیک می شد حضرت علی (ع) جلوتر می رفت و نور چراغ های حرم رسول خدا (ص) را کم می کرد.

یک مرتبه امام حسن (ع) علت این کار را از آن حضرت (ع) سؤال نمود ، حضرت علی (ع) در جواب فرمود :

أَخْشَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى شَخْصِ أُخْتِكَ زَيْنَبَ (س) ۱

می ترسم کسی به قد و قامت خواهرت زینب کبری نظر کند!
این عفاف و حجب و حیای زینب بود.

ورود کاروان اسرا به کاخ یزید ملعون

حالا آماده اید روضه بخوانم: از امام زمان معذرت می خواهم. وقتی کاروان اسرای کربلا وارد کاخ یزید شد، مجلسی رسمی متشکل از بزرگان شام و نمایندگان ادیان در کاخ تشکیل شد.

و در این هنگام، به دستور یزید، اسراء را وارد مجلس کردند در حالی که چشم ها، همه به اسراء می نگریستند.

در این حین حضرت زینب(س) خطاب به یزید لعین فرمود:

يَابْنَ الطُّلَقَاءِ! اَمِنَ الْعَدْلِ يَابْنَ الطُّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ
حَرَائِرِكَ وَاِمَاءَكَ وَسُوقَكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)
سَبَايَا؟

قَدْ هَتَكَ سْتُورَهِنَّ وَ اَبْدَيْتَ وَجُوهُهِنَّ تَحْدُو بَيْنَ
الْاَعْدَاءِ مِنْ بَلَدٍ اِلَى بَلَدٍ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ اَهْلُ الْمَنَاهِلِ
وَ الْمَعَالِقِ وَ يَتَصَفَّحُو وَجُوهُهِنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ! ۱

آیا این از عدالت است که همسران و کنیزانِ خودت را در پشت پرده‌ها قرار داده‌ای، ولی دختران رسول خدا(ص) را به عنوان اسیر، روانه کرده‌ای، پرده‌های حرمت آنان را دریده، چهره‌هایشان را آشکار ساخته و زیر سلطه دشمنان از شهری به شهری می گردانی، آن گونه که مردم شهرها و آبادی‌ها و قلعه‌ها و بیابان‌ها به آنان می نگرند و دور و نزدیک، چهره آنان را تماشا می کنند؟

وقتی رسید قافله در مجلس یزید

بالا گرفت قائله در مجلس یزید

اشک سر بریده در آمد که پا گذاشت

زینب میان سلسله در مجلس یزید

زینب رسید و دور و برش جمع خسته ای

با پای پر ز آبله در مجلس یزید
داغ رباب تازه شد آن لحظه ای که دید
بالا نشسته حرمله در مجلس یزید
با کینه ای به قدمت تاریخ، کفر داشت
با دین سر مقابله در مجلس یزید
د ف ها به روی دست، و کل می کشید مست
مطرب میان هلهله در مجلس یزید
بزم شراب بود و چه کردند پای تشت
رقاصه ها پی صله در مجلس یزید
ای وای، بین جام شراب و سر امام
چندان نبود فاصله در مجلس یزید
بالا که رفت چوب، سه ساله بلند شد
صبرش نداشت حوصله در مجلس یزید
شد اشک چشم، بغض و بدل کرد اینچنین

آتش فشان به زلزله در مجلس یزید
صحبت که از خرید و فروش کنیز شد
افتاد باز ولوله در مجلس یزید
خون خورد زینب و جگرش پاره پاره شد
از دست ابن آکله در مجلس یزید^۱